

# برنامه پنجمساله دوم و جایگاه آموزش عالی در آن

گفتگو با دکتر محمد طیبیان

معاون امور اقتصادی و هماهنگی سازمان برنامه و بودجه

دکتر محمد طیبیان، معاون امور اقتصادی و هماهنگی سازمان برنامه و بودجه و از کارشناسان، صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران این سازمان در زمینه تنظیم برنامه‌های اقتصادی کشور است. نقش و جایگاه آموزش عالی در برنامه دوم توسعه، وضعیت کمی و کیفی دانشگاهها در این برنامه، مشکلات، مسائل و تنگناهای موجود بر سر راه توسعه دانشگاهها، عوامل موثر بر پیشرفت علمی و فنی دانشگاهها و ... موضوعات مهم و اساسی بودند که برای اطلاع از کم و کیف آنها گفتگویی را با دکتر طیبیان انجام دادیم که متن این گفتگو را در زیر می‌خوانید.

شریف:

در لزوم و اهمیت آموزش عالی هیچ شبهه‌ای نیست. در این رابطه واقعاً نکات امیدوارکننده زیادی هم وجود دارد. مثلاً عامل مهم و اساسی و نقطه قوت در این وضعیت، وجود نسل جدیدی است که بالا می‌آید. علی‌رغم سالها مشکلات و کمبودهایی که بوده است، یک نسل آگاه‌تر و باسوادتری وارد نظام آموزش عالی می‌شود و این نقطه قوت و دلگرم‌کننده‌ای است که ما می‌توانیم آینده خوبی در زمینه‌های علمی - پژوهشی داشته باشیم. با تمام این مسائل یک نگرانیهای اساسی هم وجود دارد و بیشترین آن در بافت و تشکیلات اداری دانشگاهها به چشم می‌خورد که واقعاً تشکیلات قدیمی و کهنه‌ای است. یکی از این معضلات، مسئله دیوانسالاری حاکم بر تشکیلات اداری دانشگاههاست. ضمن آنکه در بخش مدیریت آموزشی هم این دیوانسالاری خیلی قوی عمل می‌کند. دانشگاههای ما همانند مدرسه متوسطه به طور متمرکز اداره می‌شوند، در حالی که هیچ کجای دنیای این رویه معمول نیست. این مشکلات تنها محدود به مدیریت به اصطلاح اداری نیست بلکه در مدیریت آموزشی هم این معضلات دیده می‌شود. بعد، مسائل و مشکلات اقتصادی است که جای نگرانی بسیاری دارد. الان خیلی از استادها جذب کارهای دیگری می‌شوند و به طور تمام وقت در دانشگاه حضور ندارند. حال با این امیدواریها و نگرانیها انتظار داریم که برنامه پنجمساله دوم بتواند آن زمینه‌های مثبت را به نتیجه‌های مطلوب برساند. اگر ممکن است نظرتان را در این زمینه مطرح فرمایید؟

دکتر طیبیان:

یک نکته قابل ذکر این است که در مورد آموزش عالی از نظر کمی (تعداد دانشجو) مشخصاً خیلی پیشرفت کردیم و اگر شما نگاه کنید به مقایسه بین‌المللی که بعضی از همکاران ما بین چهل کشور از لحاظ جمعیت و در آمد ملی انجام داده‌اند می‌بینید که تعداد دانشجو به نسبت کل جمعیت کشور ما از لحاظ وضع جمعیتی و درآمد سرانه بیش از آن چیزی است که باید داشته باشد. مثلاً ما با جمعیت و درآمد سرانه موجود باید ۵۰۰ هزار دانشجو داشته باشیم در حالی که حدود ۶۵۰ هزار دانشجو داریم که نشان می‌دهد ما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رشد بالایی در این زمینه داشته‌ایم. ولی از نظر کیفی من فکر می‌کنم که در همان مقیاس رشد نکرده‌ایم و اگر چنین ادعایی بکنیم، این مسئله جای بحث دارد و سؤال برانگیز است. برای توضیح این امر می‌توان عوامل مختلفی را عنوان کرد که تعدادی شاید اصلاً قابل کنترل نبوده ولی یک مقدار آن قابل کنترل بوده است. مثلاً بعد از انقلاب یکسری مسائل سیاسی در دانشگاهها پیش آمد، یک عده‌ای رفتند، یک عده‌ای آمدند و... ولی این آثار به نحو مقتضی جبران نشد و بنابراین در مجموع اگر امروز بررسی کنیم که چرا دانشگاههای ما از نظر کیفی پیشرفت کافی نکرده‌اند شاید یک قسمت از این داستان عدم پیشرفت، مسئله اساسی سیستم آموزش عالی و مخصوصاً مدیریت در سطوح دانشگاههاست و یک قسمت دیگر، مسئله مدیریت بسیار متمرکز در سطح آموزش عالی است که در مقاطعی وزارت فرهنگ و آموزش عالی نیز این مسئله

ما با جمعیت و درآمد سرانه موجود، باید ۵۰۰ هزار دانشجو داشته باشیم، در حالی که حدود ۶۵۰ هزار دانشجو داریم و این نشان می‌دهد که بعد از انقلاب رشد بالایی در این زمینه داشته‌ایم.

پرسش دوم این است که در صورتی که منابع تحقیقاتی کشوری عمدتاً صرف حل مسائل علمی شود، تکلیف تحقیقات پایه چه می‌شود؟ باید گفت که در کنار تحقیقات کاربردی، انجام تحقیقات محض و تئوریک نیز ضروری است. می‌توان اولویت کار تحقیقات را به حل مسائل اساسی و عینی اختصاص داد و بخشی از امکانات را نیز برای تحقیقات پایه صرف کرد.

به طور قطع، زیانبارترین حالت برای تحقیقات این است که فعالیت‌های پژوهشی در جهتی قرار گیرند که برای کشور نتیجه مشخص و دستاورد عملی به همراه نداشته‌باشد. این امر، سبب بی‌توجهی دست‌اندرکاران به امر تحقیق شده و امکانات و منابع کافی نیز به سمت فعالیت‌های تحقیقاتی هدایت نمی‌شود. از آن طرف هم باید منابع مالی از محل درآمدهای داخلی و بودجه عمومی در اختیار دستگاه‌ها گذاشت که با مراکز تحقیقاتی و اساتید دانشگاه‌ها قرارداد ببندند. حالا در این مورد اگر بخواهیم این گونه عمل کنیم شاید چند سؤال مطرح شود. یکی اینکه از کجا می‌توان فهمید که این تحقیقات به هر حال تحقیقات مفیدی خواهد بود و مسئله به صورت پرداخت دوستانه مثلاً از جانب بعضی از مؤسسات دولتی یا خصوصی یا شرکتهای یا صنایع به بعضی از مؤسسات تحقیقاتی و اساتید در نخواهد آمد؟ برای این کار سازمانهای پژوهشی یا دستگاههای تحقیقاتی کشور می‌توانند هر سال نتایج این گونه تحقیقات را از نظر علمی ارزیابی کنند و نظر دهند که آیا این کار علمی بوده یا یک پرداخت دوستانه بوده و نتیجه‌ای نداشته است و به دولت و تصمیم‌گیرندگان گزارش بدهند پولی که خرج می‌شود دارای نتایج خوبی است یا فرضاً هدر می‌رود. من فکر می‌کنم با امکانات مالی و نیروی انسانی کمی که ما داریم بهتر است امکانات نیروی انسانی و اساتید و منابعی که داریم صرف حل مسائل کشور شود. برای این کار اول لازم است که روشن کنیم این مسئله واقعاً مسئله مهمی است و حل آن امری است ضروری و تعیین کنیم که برای آن مسئله خاص چه مقدار پول باید خرج کرد. بالاخره اینکه برای رفع این مسائل و مشکلات باید دانشگاهها امکانات و منابع داشته باشند که برای کارهای تحقیقاتی خرج کنند و مشکل اثری را که کارشان به صورت بازاری قابل ارائه نیست بتوانند حل کنند. مثلاً در رشته ادبیات که نمی‌توان روی پروژه صنایع دفاع کار کرد، ولی اگر روزی رسید که دیدیم استاد‌های ادبیات ما در مقایسه با استاد‌های مهندسی و علوم و ریاضی و اقتصاد، دریافتهای خیلی ناچیز دارند باید به فکر آن باشیم که برای آنها پروژه تخصصی اختصاص داده

(تمرکزگرایی) را تشدید کرده‌است. اینها مسائل اصلی عدم پیشرفت کیفی دانشگاه بوده است، چون آزادی عمل را از جوامع علمی کشور گرفته بود. وقتی دانشگاهها نه می‌توانند در مقاطع مختلف استاد خودشان را انتخاب کنند، نه می‌توانند بورس تحصیلی بدهند، نه می‌توانند دانشجوی فوق‌لیسانس بگیرند، نه می‌توانند روی پروژه تحقیقاتی خود مستقلاً تصمیم بگیرند، نه روی تعداد دانشجو تصمیم بگیرند و یک رقابت وسیعی هم پیش آمده باشد برای گسترش کمی که یک تعداد دانشجو زیادتر گرفته شود، رشته‌های جدید ایجاد شود و... به خاطر همین مجموعه مسائل، کیفیت سیستم آموزشی ما در آموزش عالی در درجه دوم اهمیت قرار گرفته و در حد مطلوب پیشرفت نکرده‌است. ما اگر می‌خواهیم دانشگاه خوب داشته‌باشیم باید بتوانیم ملزومات یک دانشگاه با کیفیت را فراهم کنیم. به همان ترتیب که می‌رویم و گران‌ترین ماشین‌آلات را در کارخانه نصب و پولش را پرداخت می‌کنیم - از آن رو که می‌دانیم ماشین برای این کار لازم است - در توسعه آموزش عالی هم استاد خوب لازم است و باید تأمین مالی بشود. بنابراین باید در برنامه دوم، درآمدها به طور اعم زیاد شود و این کار لزومی ندارد صرفاً از طریق افزایش حقوق صورت گیرد. چون افزایش حقوق رسمی، درآمد افراد با کیفیت خوب و افراد ضعیف را متناسب بالا می‌برد و این کار برای سرنگ کردن نیروهای علمی کشور و ایجاد انگیزه برای نیروهای کیفی کارآمد نیست. شاید بهترین کاری که می‌توان کرد این است که یک مقدار در کارهای علمی تمایز قائل شد. به این ترتیب پرداختهای هیئت علمی را منوط کرد به کیفیت کار تحقیقاتی آنها. من فکر می‌کنم که راه حل را باید اینجا جستجو کرد. یک آیین‌نامه‌هایی باید باشد که استاد، هم خوب دریافت کند و هم خوب تحقیق کند و نتایج تحقیقات را ارائه دهد. سازماندهی کار را می‌توان به این سمت هدایت کرد که آزادی عمل در دانشگاهها برای استادها و بستن قرارداد مستقل برای تحقیقات فراهم آید. بر خلاف رویه معمول که دانشگاهی قرارداد تحقیقاتی منعقد می‌کند، این کار را باید اساتید انجام دهند و خودشان نیز در مقابل نحوه انجام کار پاسخگو باشند و به دانشگاه نیز مثلاً ۳۰ درصد هزینه بالاسری را از محل قرارداد پرداخت کنند. و دانشگاه هم می‌تواند برای اجرای ضوابط مالی و غیره نظارت کلی داشته‌باشد.

یک پرسش اساسی که از طرف عده‌ای مطرح می‌شود این است که آیا کشور ما برای حل مشکلات خود نیاز به دستاورد تحقیقات پیشرفته دارد؟ در پاسخ می‌توان گفت که اگر بخواهیم در صحنه رقابت جهانی پایه پای دیگران حرکت کنیم، ضروری است که سرمایه علمی، فنی و تحقیقاتی بیشتری را به کار بگیریم و بنابراین ما نیاز وسیعی به انجام تحقیق داریم. این تفکر که ما جهان سومی هستیم به این معنی نیست که راه حل مشکلات ما ساده است و تحقیق عمیق و علمی را نمی‌طلبد.

و از محل منابع دانشگاهها برای اجرای این پروژه بودجه صرف شود. معلوم می شود که یک نیروی انسانی می خواهد کار کند و از توانش استفاده نمی شود. باید رفت و فکری به حال آنها کرد و بودجه در اختیارشان گذاشت و پروژه برای آنها تهیه کرد. پیشنهادی که ما داریم این است که در درجه اول ضروری است دانشگاهها از نظر مدیریت مستقل شوند. برای اینکه دانشگاههای ما بتوانند مسائل خودشان را حل کنند، تصمیم گیری لازم است و هر دانشگاهی هم وضعیت خاص خودش را دارد. اگر دانشگاهیان ما نتوانند دانشگاه را اداره کنند چگونه انتظار داریم افرادی که آنها تربیت می کنند بتوانند امور تخصصی کشور را در آینده اداره کنند؟ بنابراین ضروری است که دانشگاهها در زمینه های مختلف انتخاب هیئت علمی، عقد قرارداد تحقیقاتی، انتخاب نیرو، پرسنل اداری و دانشجو، امور مالی و مانند آن آزادی کافی داشته باشند.

#### شریف:

آقای دکتر نکته ای که شما اشاره کردید در زمینه عدم برنامه ریزی و رشد کمی آنها و مسئله تحقیقات و اهمیت آن برای کشور ما که الان در حال سازندگیست، یکی از مشکلات مهمی که ما در دانشگاهها داشتیم همین عدم رشد کیفی آنهاست و شاید یکی از دلایل مهم آن فرار مغزها و بی توجهی به بخش تحقیقات است که من جایی در برنامه دوم ندیدم که به این مسئله توجه شود. البته شما در صحبت های خود به مسئله فرار مغزها، دلسردی افراد کارآمد، مسئله مالی، حقوق و مسائل رفاهی و... اشاره کردید و مسئله دیگری که مطرح شد مسئله بنیه علمی تحقیقات است. آیا ما به اندازه کافی متخصص داریم تا اینکه بتوانیم تصمیم بگیریم روی چه زمینه هایی در ۱۰ سال آینده کار بکنیم؟ چون نتایج تحقیقات ممکن است یک قرن بعد ظاهر شود. شما فرمودید که شورای عالی پژوهشها می تواند در این زمینه کنترلی داشته باشد ولی من بعید می دانم که در تمام این زمینه ها حتی شورای عالی پژوهشها بتواند نظری بدهد. ما در رشته های بسیار مفید افرادی انگشت شمار داریم و اینها هم به هر صورت شناخته شده نیستند. مسئله دیگری که مطرح شد کمک بخش صنعت است. برای انجام امور تحقیقاتی - همان طور که شما فرمودید - در مسائل روزمره مملکتی صنعت می تواند کمک کند، البته اگر بودجه به اندازه کافی داشته باشند، که تا آنجایی که من اطلاع دارم اکثر صنایع این بودجه را ندارند یا صرف کارهایی غیر از تحقیقات می کنند. به هر حال اینها اگر کارساز هم باشند مسائل امروز ما را حل نمی کنند. سؤال من این است که آیا صنعت مابه ۱۰ سال آینده خودش فکر می کند؟ آیا خط مشی علمی و صنعتی مشخص برای صنایع خودمان به عنوان صنایع باز وجود دارد؟ آیا ما از نظر سیاسی و اقتصادی به آن حدی رسیده ایم که فکر کنیم صد سال آینده چه موقعیتی را در جهان خواهیم داشت؟ اگر مسئله از بالا بررسی شود یعنی اگر عده ای از متفکران جامعه کنار هم

جمع شوند و صد سال آینده ایران را ترسیم کنند، قسمت اعظم این مشکلات حل می شود. متأسفانه یکی از مشکلات ما در دانشگاهها - مخصوصاً در دانشگاه صنعتی شریف که یکی از بهترین دانشگاههاست - این است که برای ما واضح نیست که برنامه های آینده کشور چیست و ما به کجا می رویم؟ فکر می کنم یک مقداری راجع به این برنامه هایی که در پنجساله دوم مطرح هست توضیح بدهید مسئله روشن تر می شود.

#### دکتر طیبیان:

در زمینه فرار مغزها، این مسئله می تواند دلایل متفاوت داشته باشد. انقلاب شد و یک عده ای نخواستند بمانند. ولی خیلی از افرادی که رفتند ریشه رفتنشان به خارج از کشور بعضاً مسائل مالی بوده، بعضی ها مسائل بسیار کم اهمیت بوده مثلاً یک همکاری ما داشتیم به خاطر این رفت که با کارمند بانک دانشگاه بگو مگو کرده بود و دانشگاه کارش را کشید به هیئت تخلفات اداری و او هم گذاشت و رفت. یک استاد دیگر از همکاری های ما می خواست منتقل شود تهران و نمی گذاشتند بیاید و عامل رفتش همین مسئله بود. خیلی از افراد به این دلایل رفتند. دلایلی که می شد جلوشان را گرفت مثل مسائل داخلی مدیریت دانشگاهها و تشنه ای که پیش آمد و قابل پیشگیری بود و الان هم همین طور. من فکر می کنم که به این ترتیب مسئله فرار مغزها را - به غیر از آنهایی که نمی خواهند اینجا زندگی کنند - می شود حل کرد. یکی اینکه دانشگاهیان تصمیم گیری مشترک داشته باشند و در اداره امور دانشگاهها مشارکت کنند. یکی دیگر هم این است که مسائل مالی آنها حل شود. به نظر من اگر آن دو مسئله حل شود خیلی از مشکلات قابل حل است. تا آنجا که به محیط علمی بستگی دارد دو جور می شود کمک کرد، یکی اینکه شرایط مدیریتی محیطهای علمی بهبود پیدا کند و خود دانشگاه در کارهای داخلی نقش بیشتری داشته باشد و دوم اینکه مشکلات مالی حل شود، سطح زندگی و آسایش خیال از نظر امور متعارف زندگی وجود داشته باشد. در بلند مدت هم مسئله رامی توان از طریق فراهم ساختن زمینه ادامه تحصیل در سطح دکتری در داخل کشور، حل کرد. در عین حال که در این مورد مسئله کیفیت مسئله ای است که نباید از نظر دور داشت. اساتید کم سواد، دانشجویان ضعیف تربیت می کنند و زمانی که این افراد خود استاد می شوند، دانشجویان آنها از خودشان هم ضعیف تر خواهند بود. این امر می تواند چرخه ای ایجاد کند که نظام آموزش عالی را به ورطه سقوط سوق دهد.

#### شریف:

محیط سازنده در دانشگاهها چگونه باید ایجاد شود؟

#### دکتر طیبیان:

این محیط سازنده در شرایطی به وجود می آید که خود دانشگاه

زیانبارترین حالت برای تحقیقات این است که  
فعالتهای پژوهشی در جهتی قرار بگیرد که برای  
کشور نتیجه مشخص و دستاورد علمی به همراه  
نداشته باشد.

#### دکتر طیبیان :

در مورد این نکته هم هیچ لزومی ندارد که ما بنشینیم و منتظر التفات مدیران صنایع باشیم. فقط لازم‌اش این است که شرایطی را در سیستم اقتصادی ایجاد کنیم که آن افراد مجبور به سرمایه‌گذاری در زمینه تحقیقات باشند. چطوری؟ یکی از این مدیران شرکتهای بزرگ که خیلی هم زمینه علمی وسیعی دارد یک وقت از ایشان پرسیدم که شما در شرکت تحت نظرتان چه کار تحقیقی انجام می‌دهید؟ گفت چه لزومی دارد تحقیق کنیم ما هر وقت چیزی را لازم داریم با دلار هفت تومان از خارج وارد می‌کنیم. اگر ما دلار هفت تومان را حذف کنیم این فرد دیگر نمی‌تواند روی واردات حساب باز کند و از این رو باید برای رفع مسئله‌اش دنبال کسانی برود که می‌توانند آن را حل کنند. اگر یک مقدار از تولید داخلی حمایت شود و ارزش هفت تومانی و امکانات وارداتی وجود نداشته باشد و آن حمایت‌های مالی وسیع دولتی از صنعت نباشد، مجبور خواهند بود برای دوام آوردن و اینکه این مسئله مرگ و زندگی آنهاست، دست به تحقیق بزنند. مثل کشورهایی که پیشرفت کردند. از قبیل «آی.بی.ام» یا شرکت «دوپون» اینها برای چی تحقیق می‌کنند؟ برای اینکه مرگ و زندگی صنایع در میان است و اگر تحقیق نکند از بین می‌رود یا مسائل دیگر که می‌تواند پیش بیاید. برای صنایع ما هم باید این اتفاق بیفتد تا ببینند مجبور به تحقیق هستند و باید دنبال محقق هم بروند. این قسمت مسئله باید در خط‌مشی‌های اقتصادی کشور ملحوظ شود تا اینکه توجه به تحقیق اجتناب‌ناپذیر باشد.

#### شریف :

در درازمدت اگر واقعاً صنایع ما از پیشرفت مطلوبی برخوردار شوند بطوریکه دارای سوددهی بالایی باشند، به این پایه هم خواهند رسید که بتوانند در عملیات محض سرمایه‌گذاری کنند. در مراحل بعد این برایش سودده خواهد بود ولی در قدمهای اول باید بطریقی ....

#### دکتر طیبیان :

ولی این نکته هم هست که ما اول کمک کنیم تا آن صنایع به وجود بیاید، روی پای خودش بایستد و این کار را هم باید نیروهای فعلی کشور انجام بدهند به طریقه فکر کردن درباره اینکه چه کار کنیم که این صنایع با حل مشکلات خودشان بتوانند پیشرفت کنند.

تواند امور خودش را اداره کند. مثلاً چه رشته‌هایی گذاشته شود و چه تحقیقاتی صورت گیرد؟ خودشان آزاد باشند که قرارداد تحقیقاتی ببندند، تصمیم بگیرند که چه کتابهایی سفارش بدهند و چه مجله‌ای دریافت کنند و مسائل اداری خودشان را حل کنند. تمامی این موارد کمک می‌کند به ایجاد یک محیط سازنده. ما نباید فکر کنیم که دولت بیاید و مؤسسه تحقیقاتی بسازد. به محقق بگوید که بنشین و تحقیق کن. این کار در کشور ما نتیجه ندارد چون، مراکز تحقیقاتی مختلف داریم و علاوه بر آن هر وزارتخانه‌ای مرکز تحقیقات مستقلی دارد. به نظر من این راه به نتیجه نمی‌رسد. باید امکاناتی فراهم بکنیم که محقق برای حل مشکلات کشور و براساس قرارداد با بخش دولتی و خصوصی، تحقیق بکند. در آن صورت محقق فکر می‌کند که از کارش ثمری حاصل می‌شود. یعنی دستگاهها متناسب با نیاز کشور محققین را درگیر کنند، در این حالت محقق عملاً درگیر می‌شود و از این رو، امر تحقیق و محقق به صورت یک مسئله کانونی مطرح خواهد شد و نه امری حاشیهای.

#### شریف :

مسئله مورد تأکید این است که نیازهای جامعه - چه الان و چه در صد سال آینده - باید روشن باشد، این کار وظیفه چه کسی است؟ دولت یا بخش خصوصی؟

#### دکتر طیبیان :

نیازهای ما به شکل‌های مختلف می‌تواند تجلی پیدا کند. ما نمی‌توانیم بگوییم که نیازهای ما در امور تحقیقات در رشته فیزیک اینها هستند و راه حلش هم این گونه است. خود کشورهای پیشرفته هم نمی‌دانم آیا این طوری آمدند جلو یا نه؟ یعنی تا آنجا که من اطلاع دارم پیش نیامده که یک نفر بنشیند و بگوید که صد سال آینده می‌خواهیم فیزیک را در این مسیر پیش ببریم. من فکر نمی‌کنم یک چنین چیزی در هیچ کجای دنیا وجود داشته باشد. لاقلاً من در هیچ رشته‌ای مشابه این مسئله را سراغ ندارم. اما در افقهای کوتاه‌تر می‌توان از طریق تبادل نظر بین مراکز دانشگاهی و دستگاههای دولتی، برنامه‌های تحقیقاتی میان مدت را طراحی و به صورت پروژه‌های خاص تعریف کرد و انجام آنها را نیز به محققین و یا مراکز تحقیقاتی واگذار کرد.

#### شریف :

آقای دکتر دو نکته هست که باید روشن شود. یکی اینکه درست است که دانشگاهها باید کارهایی انجام دهند که سودده باشد و طبیعتاً از این طریق پیشرفت کنند. سؤال این است که آیا صنعت ما - چه خصوصی چه دولتی - به این درجه از پیشرفت رسیده‌است که کار پژوهشی برایش مهم باشد و روی این امور سرمایه‌گذاری نماید و دوم اینکه این سرمایه‌گذاری برایش در آمد بیشتری بدنبال خواهد آورد؟

شریف :

در خط مشی‌هایی که برای برنامه دوم ترسیم شده، وضعیتی پیش‌بینی شده که دانشگاه مستقل باشد. در حال حاضر برخی از دانشگاه‌های کشور هیچ استخوان‌بندی آماده‌ای ندارند. آیا وقتی اینها خصوصی شوند و در اثر رقابتی که بین دانشگاهها وجود دارد و بعضی از بنیه قوی و برخی ضعیف برخوردارند، آیا ضعیف‌ترها به اصطلاح مزاحم نخواهند بود و یا دچار یک بحران آموزشی نمی‌شوند؟ چون الان سیاست متمرکز فعلی اشکالاتی دارد و واضح هم است و با گذشت زمان هم همه به آن بیشتر پی خواهند برد ولی به هر حال دانشگاههای ضعیف‌ترها رابه گونه‌ای حفظ می‌کند، آیا این مسئله نهایتاً موجب نمی‌شود که در جاهایی که صحبت از توسعه آموزش عالی شروع شده آن توسعه متوقف شود به دلیل اینکه کارا نیست؟

دکتر طیبیان :

ببینید بودجه‌های دولت کماکان و با رشد قابل ملاحظه‌ای به دانشگاهها داده می‌شود به طوری که بودجه دانشگاهها در برنامه دوم از بالاترین میزان رشد برخوردار است و بودجه دادن یک جریان مثبتی است برای اینکه دستگاه ضعیف را حفظ بکند و بنابراین بهترین بیمه همین بودجه‌هایی است که به این دستگاهها پرداخت می‌شود. لاقلاً همین آزادی سبب می‌شود که آنهایی که بنیه رشد و پیشرفت دارند سرخورده نشوند.

شریف :

آقای دکتر اگر موافق باشید در مورد خصوصی کردن دانشگاهها یک مقداری روشن تر صحبت کنیم، چرا که یکسری برخورد عامیانه با این مسئله صورت می‌گیرد. یعنی اگر مفهوم خصوصی سازی این باشد که فقط کسی که پولدار است وارد دانشگاه شود به هیچ وجه درست نیست. اگر ممکن است شما نظر خودتان را در این باره بیان کنید؟

دکتر طیبیان :

چند مسئله را اشتهاً مطرح کردند - که البته عمومی هم بود - و یکی از آنها واگذاری دانشگاه به بخش خصوصی است. اصلاً یک چنین مسئله‌ای مطرح نبود و طرح آن از سوی عده‌ای مغرضانه بود. آمدند و این جریان را به طور غلط راه انداختند. در رابطه با ایجاد زمینه فعالیت مردم در امر توسعه دانشگاهها باید به این نکته توجه کرد که دانشگاهها و همچنین مدارس آموزشی اهمیت بالایی دارند و بنابراین مردم باید منابع مالی-انسانی خودشان را به این مراکز بفرستند. چطور می‌گوییم که بخش خصوصی بیاید و در ارتباط با تولید رب گوجه‌فرنگی سرمایه‌گذاری بکند و یا در تولید ماکارونی یا تولید میل و صندلی و غیره، باید بگذاریم که در زمینه آموزش عالی هم که از اهمیت بالایی برخوردار

است سرمایه‌گذاری بکنند. در صورتی که سرمایه‌گذاری بیشتر باشد معلوم است که منابع زیادی وارد می‌شود و در نتیجه امکانات و بنه‌های بیشتری ایجاد خواهد شد. نباید هیچ‌کس مانع این کار شود و باید همه راهها باز باشد تا منابع و سرمایه‌های مردم وارد این شاخه‌ها شود. حالا این کار به چند طریق می‌تواند صورت گیرد. یکی اینکه افراد خیر بیایند و سرمایه‌گذاری کنند به همان ترتیب که در بسیاری از کشورها رایج است. الان برخی از دانشگاههای بزرگ دنیا موقوفه هستند و از عوائد موقوفاتشان اداره می‌شوند و اسمشان هم خصوصی است و بهترین دانشگاهها هم به شمار می‌روند. بنابراین ما باید تأسیس دانشگاههای خصوصی را حمایت کنیم و این کار، ضروری است که در کشور ما عملی باشد. یک کسی یا سرمایه‌داری و یا صاحب ثروتی، ثروتش را وقف کند تا دانشگاه درست شود و از ثروت این فرد و یا از درآمدهای ثروتش خرج دانشگاه تأمین شود. این کار باید زمینه‌اش فراهم شود. ما الان نمونه‌اش را هم در کشور داریم. آدمهای خیری آمدند و امکاناتی را فراهم آوردند و یک دانشگاه تأسیس کردند. اتفاقاً دارای نکات مثبتی هم هستند. این کار چه مانعی دارد و واقعاً چه لزومی دارد که جلوی یک چنین حرکتی گرفته شود و عده‌ای «بوروکرات» فکر کنند که باید همه چیز در دست خودشان باشد. در صورتی که می‌دانیم اگر دست بوروکراتها باشد معمولاً بسیاری از چیزها غلط از آب در می‌آید.

شریف :

آقای دکتر ما از آن طرف دانشگاه آزاد را هم داریم که گسترش وسیعی در کشور پیدا کرده است. مسئله‌ای که در حال حاضر در استخدامها مهم است مدرک است و اینکه از کجا مدرک گرفتیم مهم نیست و این باعث می‌شود که کیفیت مدرک دارهای ما هم افت پیدا بکند. برای این کار چه برنامه‌ای ....

دکتر طیبیان :

من در ابتدا نسبت به عملکرد دانشگاه آزاد خوش‌بین نبودم اما اخیراً می‌بینم که در امتحاناتی که در جاهای مختلف می‌گیرند فارغ‌التحصیلان دانشگاه آزاد رتبه‌های خوبی کسب می‌کنند و این خیلی خوب است. چند سال پیش یکی از همکاران دانشگاهی می‌گفت دانشگاه آزاد دانشگاههای دولتی را از میدان به در می‌کند. پرسیدم چرا؟ گفت برای اینکه اینجا منابع مالی و آزادی مدیریت وجود دارد و با حساب و کتاب پول می‌گیرند و درس می‌دهند و دانشجو چون پول می‌دهد بنابراین با جدیت به فکر فراگیری و استفاده از وقت است و این امر موجب تقویت این مراکز و کیفیت علمی آنها می‌شود و دانشگاههای مجانی ما را تضعیف می‌کند. دانشگاه آزاد درست است که الان بی‌ضابطه کار

### دکتر طبیبیان :

این مسئله در حد یک پیشنهاد مطرح شده است. بعد از پیروزی انقلاب که چند مرتبه تجربه برنامه‌ریزی داشتیم، روش کار این‌گونه بوده است که سازمان برنامه و بودجه یک پیشنهاد مطرح می‌کند و معمولاً علاقه به این است که پیشنهادات طرح شده و مورد بحث واقع شود. مقطع تهیه برنامه با بقیه مقاطع در سیستم اداری متفاوت است، این مقطع جایگاهی است که اگر نظراتی در جامعه هست مطرح شود و مورد بحث قرار گیرد و در تهیه برنامه منظور شود. سازمان برنامه و بودجه این پیشنهاد را داشته که دانشگاه‌ها تا حدودی مستقل شوند. در صورت مستقل شدن، فقط سیاست‌گذاری برای دانشگاه‌ها و آموزش عالی می‌ماند که لازم است به صورت متمرکز صورت بگیرد. برای سیاست‌گذاری هم نهادی هست به اسم «شورای عالی انقلاب فرهنگی» مطابق قانون اساسی، در کشور ما هر بخشی باید یک وزیر داشته باشد. مثل کشاورزی، صنعت و ... نمی‌توان گفت که آموزش عالی وزیر نمی‌خواهد. آن هم می‌تواند یک وزارتخانه باشد که مدیریت آموزش کشور را برنامه‌ریزی کند و البته آن وزارتخانه، نه این وزارت فرهنگ فعلی است و نه آموزش و پرورش فعلی. برای آموزش و پرورش هم جداگانه پیشنهاد شده که کارهایی از قبیل آموزش دادن و اداره کردن مدرسه و غیره توسط شوراهای محلی سازمان پیدا کند. در نتیجه، خود وزارت آموزش و پرورش بیشتر جنبه برنامه‌ریز پیدا می‌کند و برای طراحی و برنامه‌ریزی و ارزیابی کردن و این کارها تنها یک وزارتخانه کافی خواهد بود تا در این شرایط بتواند همه این کارها را انجام دهد. یعنی برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، ارزیابی و هدایت کند. این وزارتخانه یک وزارتخانه کامل است. نه وزارت آموزش و پرورش است و نه وزارت آموزش عالی. پیشنهاد این بوده که یک وزارتخانه واحدی برای این کار به وجود بیاید. ایده سازمان برنامه در زمینه ادغام این دو وزارتخانه - آموزش عالی و آموزش و پرورش - این بوده و بعداً شورای اقتصاد و تصمیم‌گیرندگان مملکت چه تصمیمی می‌گیرند من اطلاعی ندارم. باید صبر کنیم ببینیم نتیجه کار چه می‌شود.

### شریف :

آقای دکتر طبیبیان از شما خیلی متشکریم که در این گفتگو شرکت کردید و امیدواریم تلاشهای شما گام مثبتی باشد در راستای پیشرفت آموزش عالی کشور.

می‌کند ولی اگر به همین ترتیب پیش برود و یک مقداری مدیریت آن روی مسائل کیفی بیشتر حساسیت نشان بدهد، ممکن است که سیستم دانشگاه‌های دولتی ما را تحت الشعاع قرار دهد. پیشنهادی که من دارم این است که ما امتحاناتی مثل «جی.آر.ای» داشته باشیم که علی‌رغم اینکه از فردی که دانشگاه آزاد بوده یا دولتی به طور مشترک امتحان گرفته شود و یک گواهی بدهند. مثلاً بگویند که در این امتحان این فرد نمره یا رتبه ۵۰۰ گرفته است و به همین ترتیب زمانی که این فرد می‌خواهد در جایی استخدام شود علاوه بر مدرک متعارف دانشگاهی از وی پرسند که در آن امتحان چند شده‌ای؟ کاری نداریم از چه دانشگاهی فارغ‌التحصیل شده. ببینیم در بین هم پایه‌های خودش چه رتبه‌ای آورده است. به نظر من باید این راه را رفت و بعداً دانشگاه‌های دولتی و خصوصی - خیریه و آزاد - که خواهیم داشت فقط از طریق نمراتی که دانشجویانشان در این امتحانات کسب می‌کنند باید ارزیابی شوند. الان وزارت فرهنگ و آموزش عالی مدعی است که باید مدرک بدهد و این ضرورتی ندارد.

### شریف :

آموزش عالی ایران در خارج از کشور به لحاظ کیفیت آموزشی که دارد از اعتبار خاصی برخوردار است. آنهایی که با مدرک لیسانس به خارج رفتند، در هر دانشگاه خارجی به ادامه تحصیل پرداخته‌اند، فکر نمی‌کنید که اگر این روش ادامه پیدا کند مثل فیلپین می‌شود و کشور ما هم در ردیف کشورهای می‌شود که مدارکشان مدارک معتبری به لحاظ علمی به حساب نمی‌آید؟ یعنی هر جا می‌روند نیاز به یک ارزشیابی دیگری باشد؟

### دکتر طبیبیان :

نه من چنین چیزی نمی‌بینم. اگر این پروسه درست عمل کند به اینجا منجر نمی‌شود. الان در کالیفرنیا آمریکا دانشگاه‌هایی هست که پولی هستند. پول می‌دهید و با رئیس دانشگاه دست می‌دهید و عکس می‌گیرید و مدرک را به شما می‌دهند. از طرف دیگر، در همان ایالت دانشگاه‌هایی هم وجود دارد که در زمره بهترین دانشگاه‌های جهانند. حساب هر دانشگاه جداست. ارزیابی دانشگاه‌ها هم باید روی نتیجه کار باشد. یعنی این مجموعه چه جور آدم‌هایی بیرون می‌دهد. نکته اصلی نتیجه نهایی است که باید دید دانشگاه‌ها چه کاری دارند می‌کنند. حالا یا در زمینه تحقیقاتی که انجام می‌دهند یا کیفیت علمی فارغ‌التحصیلانشان.

### شریف :

صحبت از ادغام وزارتخانه‌های آموزش عالی و آموزش و پرورش می‌شود. این مسئله تا چه حد صحت دارد؟